



درس تفسیر سوره مبارکه نور - جلسه ۲

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱) الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲) الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳)﴾

معنای غیرت و عناصر محوری قوام آن

سوره مبارکه «نور» که در مدینه نازل شد قسمت مهم مطالبش را درباره تأمین خانواده‌های اصیل و راه پرورش اولاد صحیح و مانند آن قرار داد، البته آیه نور که از غرر آیات این سوره است هم در این سوره قرار گرفت. جامعه را خانواده‌های اصیل تشکیل می‌دهند و عنصر محوری خانواده عفاف است که فرمود: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^۱ اگر کسی این حریم عفاف را رعایت نکرد اهل غیرت نیست. در بحثهای سابق داشتیم که از برجسته‌ترین اوصاف الهی، غیرت است که خدا غیور است. غیرت حقیقی است که سه عنصر محوری را در بردارد یکی معرفت هویت خود دوم عدم دخالت در امور غیر، سوم اجازه ندادن دخالت غیر در امور او آن غیرزدایی را می‌گویند غیرت. اگر کسی بخواهد در حریم دیگری وارد نشود و اگر کسی بخواهد دیگری را در حریم خود راه ندهد که چنین انسانی را می‌گویند غیور این فرع بر آن عنصر اول است که هویت خودش را بشناسد اگر کسی انسانیت خودش را

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

شناخت قلمرو هویت خودش را شناخت، توان مرزبندی را دارد نه از مرز خود بیرون می‌رود نه اجازه می‌دهد کسی وارد مرز او بشود نه خانه کسی را نگاه می‌کند نه اجازه می‌دهد کسی خانه او را نگاه کند نه نامحرمی را نگاه می‌کند نه اجازه می‌دهد نامحرمی او را نگاه کنند. غیرت تنها این نیست که انسان، غیر را به حریم خود راه ندهد و گرنه گرفتار دیاست خواهد شد، غیور آن است که به حریم دیگری هم راه پیدا نکند.

این از بیانات نورانی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که در نهج البلاغه آمده فرمود: «مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ»^۱ هرگز يك انسان غیرتمند زنا نمی‌کند وارد حریم دیگری نمی‌شود.

ازدواج، ضامن بقای نسل و امنیت جامعه

اگر جامعه بخواهد به امنیت برسد و جامعه غیور باشد باید خانواده را درست تأسیس کند (این يك) به همین مناسبت وجود مبارك پیامبر (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) فرمود هیچ بنایی در اسلام به عظمت بنای نکاح و ازدواج نیست.^۲ بعد در حدیث دیگر که وجود مبارك امام صادق از آن حضرت (علیهما السلام) نقل می‌کند فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ»^۳ يك وقت زندگی، زندگی حیوانی است خیال می‌کنند نکاح برای ارضای غریزه شهوت و جوانی است این زندگی، زندگی حیوانی است انسانی نیست چه رسد به اسلامی. يك وقت است که نه، نکاح را به عنوان [بقای نسل و انسانیت می‌بینیم] ما که فرشته نیستیم تا دائماً بمانیم برای اینکه نسل بماند انسانیت محفوظ بماند نکاح می‌شود فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ» این نگاه کجا آن نگاه کجا! فرمود پنجاه درصد

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۰۵.

۲. ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۸.

حفظ دین جامعه به وسیله ازدواج است این نگاه به نکاح يك نگاه ملکوتی است این می خواهد خانواده دینی بسازد که بعد جامعه متمدن را تشکیل بدهد لذا مسئله زنا را با غیرت و غیور بودن مباین می داند.

خب اگر زنا چندین درجه دارد زنای عین هست زنای گوش هست زنای لامسه هست زنای باصره هست و مانند آن درجات فراوانی دارد بعضی گناه صغیرند بعضی گناه کبیرند و مانند آن، این بیان نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) که فرمود: «مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ» قهراً هیچ انسان غیرتمندی هم به نامحرم نگاه نمی کند خب این دین می تواند جامعه را پیروراند، اگر جامعه بخواد زندگی انسانی داشته باشد. خب لذا مسئله آدم کشی مسئله شرك، این گونه از گناهان بزرگ را ذکر می کند در کنارش مسئله زنا را ذکر می کند.

بیان معارفی از حکمت الهی برای تحکیم زندگی انسانی در آیات

در سوره مبارکه «اسراء» که بحثش قبلاً گذشت در آیه ۲۲ به بعد این معارف شروع می شود که فرمود: ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾ از این توحید و نفی شرك شروع می کند تا به مسئله قتل و آدم کشی می رسد و همچنین فرزندکشی ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ﴾^۱ بعد فرمود: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^۲ بعد ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾^۳ بعد ﴿لَا تَقْرُبُوا﴾^۴ بعد ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ﴾^۵ بعد ﴿وَلَا تَقْفُ﴾^۶ آن گاه فرمود: ﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ﴾^۷ این حکمتی که خدای سبحان به بشر یاد

۱. سوره اسراء، آیه ۳۱.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۲.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۴. سوره اسراء، آیه ۳۴.

۵. سوره اسراء، آیه ۳۵.

۶. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۷. سوره اسراء، آیه ۳۹.

می‌دهد که ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^۱ در این آیات که صدرش توحید است و ذیلش این حکمت عملی است آمده است؛ فرمود حکمتی که ما می‌گوییم اینهاست ﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ﴾ بعد دوباره به مسئله توحید که اهمّ معارف است می‌پردازد ﴿وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾ که بخش مبسوطاً در سوره مبارکه «اسراء» گذشت.

اوصاف و ویژگیهای عباد الرحمن

چه اینکه در سوره مبارکه «فرقان» هم به عنایت الهی خواهد آمد در بخش پایانی سوره مبارکه «فرقان» که از آیه ۶۳ شروع می‌شود ﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ﴾ را که معرفی می‌کند می‌فرماید اینها کسانی‌اند که ﴿يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ و بسیاری از معارف و احکام و حکم را ذکر می‌کند فرمود اینها موحدند اینها قتل نفس ندارند و اینها کسانی‌اند که اهل زنا نیستند ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾ مشرک نیستند ﴿وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ که قتل نفس ندارند ﴿وَلَا يَزْنُونَ﴾ خب اینها را قرآن از اوصاف ﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ﴾ می‌داند اینها را جزء حکمت می‌داند و وجود مبارك رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج را حفظ نصف دین می‌داند^۲ اساس دین این است منتها کسی که دستش بسته است پایش بسته است دهنش بسته است گوشش بسته است فلج است و زمین گیر است این در مکتب قرآن جزء معلولین است بله خب این نمی‌تواند ازدواج بکند ولی خودش دست خودش را بست چشم خودش را بست گوش خودش را بست خودش را فلج کرد معلول کرد. خب این تشریفات و قیودی که برای زندگی است که فلان کس از سفر آمده ما باید کادو بدهیم بچه نصیبش شده ما باید کادو بدهیم می‌خواهد مکه برود کادو بدهیم این تشریفات برای چیست؟! اول زندگی انسان هر چه ساده‌تر، راحت‌تر.

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲.

۲. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۸.

ذکر رنج انسانهای مرفّه در بیان امیرالمؤمنین

در آن خطبه نورانی حضرت امیر که چند سال قبل آن خطبه را خواندیم حضرت بررسی کرده خب عاقل‌ترین مرد بعد از پیغمبر [حضرت علی است و] دیگر خدا دومی خلق نکرد یعنی الآن اگر هفت میلیارد جمع بشوند بخواهند سوره‌ای مثل قرآن بیاورند محال است این هفت میلیارد جمع بشوند همه‌شان بخواهند عنصری مثل علی بن ابی طالب تحویل بدهند آن هم محال است فرقی نیست یعنی فرقی نیست بین امام و قرآن. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نهج‌البلاغه تبیین کرده فرمود داشتن و مرفّه بودن درست است خدا تحریم نکرده ولی کسانی که زندگی مرفّه دارند باید بدانند که ضمناً از تحقیری هم رنج می‌برند آن وقت تبیین کرد. فرمود داشتن و مرفّه بودن آیا کمال است یا کمال نیست اگر بگویید کمال است خب انبیای الهی که این را نداشتند وضع وجود مبارك عیسی مسیح را موسی را داوود را، همه اینها را حضرت ذکر کرد فرمود وضع داوود را برای شما بگویم وضع عیسی را بگویم وضع موسی را بگویم وجود مبارك پیغمبر هم که قصّه‌اش معلوم بود فرمود اینها همه‌شان ندار بودند یعنی امکانات داشتند اما «قرار بر کف آزادگان نگیرد مال»^۱ زره‌بافی و زره‌فروشی داوود را شرح داد با اینکه رهبر انقلاب بود ﴿وَقَتْلَ دَاوُدَ جَالُوتَ﴾^۲ رهبری انقلاب را قتل جالوت را به عهده داشت اما فرمود این با زنبیل‌فروشی ارتزاق می‌کرد مثل اینکه وجود مبارك حضرت با داوود بود با موسی بود. اگر این کمال است باید ملتزم بشوید که خدا این کمال را به بهترین انسانها که انبیا هستند نداد، این را که نمی‌شود گفت ناچارید بگویید این کمال نیست و هو الحق بعد آن عبارت را دارد فرمود

۱. گلستان سعدی، باب اول، حکایت ۱۳.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۱.

این کسی که وضع مالی اش خوب است سفره رنگینی دارد ضمناً این مقدار را لا اقل بفهمد که خدا دارد او را توهین می‌کند.^۱ این بیان نورانی حضرت است در نهج البلاغه که خواندیم.

ویژگی پیامبر در برچیدن رسوم و عادات غلط جاهلیت

حالا خیلی از ماها گرفتار این وهن و حقارتیم، اگر داریم بسیار خب حرام نیست اما اگر نداریم مخصوصاً در اوایل زندگی بسازیم با این. غالب بزرگان وضع زندگی‌شان در اوایل همین طور بود. این إصر این غل این زنجیری که ذات اقدس الهی فرمود پیغمبر از دست و پای مردم باز می‌کند یعنی واقعاً مردم حجاز در زنجیر بودند همه‌شان برده بودند و زنجیری یا این عادات این آداب این رسوب این رسوم غلط زنجیر است؟

در سوره مبارکه «اعراف» که این قسمت گذشت پیامبر را که در کتابهای آسمانی پیشین معرفی می‌کند می‌فرماید آن حضرت ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ ما شناسنامه حضرت را در تورات گفتیم در انجیل گفتیم، گفتیم پیامبر کسی است که ﴿يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۲ آن غل را آن زنجیر را آن دست و پا گیر را از اینها گرفت اینها را آزاد کرد خب یعنی همه مردم اینها برده بودند و زنجیری، در زندان بودند یا این عادات و رسوب غلط، زنجیر است.

لزوم تأسی از زندگی ساده امامان معصوم (علیهم السلام)

اگر ما این عادات و رسوب غلط را بگذاریم کنار خیلی افرادند با همین زندگی ساده با همین شهریه می‌توانند همسر داشته باشند مخصوصاً همسرانی که آنها هم به لطف الهی به برکت قرآن و عترت با این معارف آشنا شدند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

بنابراین از بهترین راههای زندگی سرعت در ازدواج است سنّ ازدواج بالا برود یا - خدای ناکرده - طلاق بعد از ازدواج پدید بیاید این اساس خانواده را به هم می‌زند. حالا آن روایت نورانی را هم می‌خوانیم.

پرسش:....

پاسخ: خیلها با اجاره زندگی می‌کردند ما دلمان می‌خواهد اتاق خوابمان اتاق پذیرایمان هال بی‌حالمان همه جدا باشد این نیست، نیست یعنی نیست. ما خودمان چهار سال در اول ازدواج تنها در حجره زندگی می‌کردیم این راه شدنی است مثل ما هم فراوان بودند شش ماه از یکدیگر خبر نداشتیم اول مهر می‌آمدیم تعطیلات فروردین هم برمی‌گشتیم مثل ما هم خیلی بودند. اینکه ما حرم می‌رویم البته حرم می‌رویم برای ثواب هم است اما قسمت مهمی که در و دیوار این حرم را می‌بوسیم این است که اینها ما را عاقل کردند این حرفها را اینها آوردند؛ عقل، عقل، عقل! تنها چیزی که جامعه را اداره می‌کند عقل است خب اگر کسی بخواد عاقلانه زندگی کند همین شهریه برایش کافی است ما دلمان می‌خواهد که هر کس هر کاری کرده کادویی بدهیم خب برای چه؟ این تشریفات برای چیست؟

فرمود اینها ﴿يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۱ زنجیر را پیغمبر گرفته آن دهن‌بند را گرفته آن چشم‌بند را گرفته آدم می‌بیند جهان چه خبر است خب به سلامتی رفته به سلامتی آمده زیارتش هم مقبول دعایش هم مستجاب حالا حتماً ما باید کادو بدهیم اینها برای چیست؟ مگر این اجاره‌نشینی قبلاً رسم نبود و فراوان نبود. غرض این است که دین به ما آموخت چطوری زندگی کنیم آن وقت لذت ساده‌زیستی را انسان از لذت پرخوری و بدخوری بهتر می‌داند. این بیان نورانی حضرت امیر است ما که زیارت می‌کنیم به اینها می‌گوییم «کلامکم نور»^۲ یعنی چه؟ نور همین است دیگر در زیارت «جامعه» هست وقتی مشاهد مشرفه شرفیاب شدیم عرض بکنیم که «و

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

«کلامکم نور» خب اینها نور است دیگر. فرمود اگر کسی بخواهد مرفّه زندگی کند ضمناً این مقدار شعور را داشته باشد که این تحقیری است.^۱ عاقلانه زندگی کردن ممکن است فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ»^۲ نصف دین در ازدواج و نکاح است. مهریه گران که گفتند که زنی مشئومه است با شئامت است که مهریه اش زیاد باشد^۳ خب برای چه؟ خب بالأخره اینها دین است دیگر.

زندگی و سیاست بر اساس دیانت

خدا غریق رحمت کند مرحوم مدرّس را اینکه می گفت سیاست ما عین دیانت ماست حرف صحیحی است زندگی ما هم عین دیانت ماست ما واقعاً سکولار زندگی می کنیم یعنی مرز دین ما از مرز زندگی ما جداست. ما يك نماز و روزه ای داریم بله اما يك ازدواج داریم خرید و فروش داریم خورد و خواب داریم دین در این زندگی نیست دین ما فقط در نماز و روزه است یعنی جدایی دین از سیاست يك مرحله، جدایی دین از زندگی مرحله دیگر، ما نمی گوئیم جدایی دین از سیاست ولی می گوئیم جدایی دین از زندگی! خب آثار دخالت دین در زندگی همین است دیگر می شود «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ» ساده ترین مردم، نزدیک ترین مردم به انبیا هستند کسی که وضع مالی اش در رفاه است ضمناً این را بفهمد که «حَقَّرَهُ اللَّهُ» حضرت فرمود آنهایی که سفره رنگین دارند بدانند که خدای سبحان دارد آنها را اهانت می کند،^۴ حالا ما به آن حد نرسیدیم لا اقل این ساده زیستی را يك سر و گردن از دیگری بلندتر باشیم خجل نباشیم. آنها که نیست این مسئله زنا پیش می آید از نگاه پیش می آید تا مراحل دیگر خب.

۱. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۲. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۸.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۸.

۴. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

کیفیت اجرای حکم زنا در اسلام

خب پس در سوره مبارکه «اسراء» مسئله زنا در کنار شرك و قتل قرار گرفت. در سوره مبارکه «فرقان» مسئله زنا در کنار قتل و در کنار شرك قرار گرفت و اگر در موارد دیگر غیبت گفته شد «اشد من الزنا»^۱ است باید دید کدام غیبت و چه درجه‌ای از غیبت نسبت به چه درجه‌ای از زنا، نگاه به نامحرم هم زنای عین است کدام غیبت از کدام زنا اشد است باید جداگانه بحث بشود.

در این قسمت فرمود: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ خطاب به مردم و امت اسلامی است ولی مجریان حدود الهی ائمه مردم‌اند که از طرف خدای سبحان به وسیله پیامبر و به وسیله خود ائمه (علیهم السلام) منصوب شدند ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ﴾^۲ بخواهید شفاعت کنید وساطت کنید وسیله بشوید برای تخفیف یا برای ترك، این کار را نکنید نه شفاعت کنید نه در زدن، این تازیانه را و دست را محکم ببرید بالا ولی شل بیاورید پایین این کار هم نکنید که رأفت کاذب داشته باشید، بگذارید این دردناك باشد.

لزوم مشاهده مؤمنین بر اجرای حکم زنا و آثار آن

مطلب بعدی دو عنصر محوری را ذکر کرده. فرمود عده‌ای بیایند ببیند این عده، کفار نباشند برای اینکه وقتی کافر این صحنه را ببیند خیال می‌کند دین، دین خشونت است اما مؤمن که ببیند دو فایده اصیل دارد این را به صورت امر غایب ذکر کرده فرمود: ﴿وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یکی اینکه می‌بینند می‌گویند خدا را شکر که تبهکاران دارند به کیفرشان می‌رسند؛ یکی اینکه عبرت می‌گیرند خودشان مبتلا نمی‌شوند لذا فرمود: ﴿وَلْيَشْهَدْ

عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» نه «طائفة من الناس» چرا اجرای حدود الهی در ارض عدو روا نیست؟ برای اینکه آنها توهّم همان اسلام هراسی و خشونت باری اسلام را مطرح می کنند اینها که غی دانند این يك عدل مقدّس يك خشونت مقدّس است گفتند اجرای حدود در ارض كفار نباشد (يك) در هنگام اجرای حدود کافران حضور نداشته باشند (دو) برای اینکه اینها خیال می کنند اسلام دینِ خشونت است. مؤمنین حاضر باشند برای چند فایده یکی برای عبرت گیری یکی اینکه خوشحال باشند که حدود الهی دارد اجرا می شود.

این جریان سوء استفاده یا تعبیرات دیگری که حالا در رسانه ها هست حالا یا اختلاس است یا سوء استفاده است یا فساد اقتصادی است مؤمنین باید حضور داشته باشند بفهمند که دین دارد جاری می شود این يك حکم نیست که «قضية في واقعة شخصیه» مخصوص زنا باشد نه قتل هم همین طور است فساد مالی هم همین طور است مسائل دیگر هم همین طور است تا جامعه اسلامی بفهمد حکم الهی اجرا شدنی است وقتی فهمید هم عبرت می گیرد هم مقتدر می شود و خدا را شکر می کند که حدود الهی دارد اجرا می شود. درباره قتل هم همین طور است درباره مسائل دیگر هم همین طور است این طور نیست که یواش پرونده بیاید و یواش برود نه خیر جامعه باید بفهمد ﴿وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ خب.

بیان احتمالات متعدد در بزهکاری زن و مرد

در سوره مبارکه «نساء» فرمود اگر زنهایی به بزهکاری آلوده شدند؛ آیه پانزده سوره مبارکه «نساء» این بود ﴿وَاللّٰتِیْ یَاْتِیْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَائِكُمْ﴾ بعد از استشهاد چهار نفر و ثابت شدن ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتّٰی یَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ یَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِیْلًا﴾. در سوره مبارکه «نساء» هنگام بحث از این آیه این احتمالات و شعب احتمالات گذشت که آیا این ناظر به مساحقه است برای اینکه دارد ﴿وَاللّٰتِیْ یَاْتِیْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَائِكُمْ﴾ زنهایی

که این چنین اند سخن از مرد نیست یا نه مساحقه نیست زنا را هم می گیرد. آیا این مربوط به مُحَصَنه است به شهادت اینکه دارد ﴿مِنْ نِسَائِكُمْ﴾ و گرنه می فرمود «مِنْ النِّسَاءِ» اینکه دارد از زنهای شما یعنی زنهای همسر دارند این هم دو احتمال. آیا این ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ﴾ ناظر به حبس ابد است یا نه، نگذارید اینها از خانه بیرون بیایند کار را که مرد انجام می دهد اینها مواظب باشید در خانه باشند که دیگر دوباره مشابه این کار نشود این توییحی باشد برای اینها صیانتی باشد برای اینها. وجوه و احتمالات فراوانی بود که نظر نهایی در ذیل آیه پانزده سوره «نساء» گذشت ﴿أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾ که گفته شد سبیل یا راهی است که آن مسئله حد را در بردارد.

در آیه شانزده همان سوره فرمود: ﴿وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ﴾ این ﴿وَاللَّذَانِ﴾ است نه «والذی» با «الَّتِی» نه «اللَّتِی» ﴿اللَّذَانِ﴾ است این ﴿اللَّذَانِ﴾ برای دو مذکر است آیا این ناظر به همان خلاقی است که بین مردها اتفاق می افتد یا نه یکی مرد است دیگری زن، به جای اینکه یکی مذکر و دیگری مؤنث هر دو را مذکر آورده که اکثر مفسرین این دومی را پذیرفتند یعنی دو نفر که یکی مرد است و یکی زن اگر گرفتار آن فاحشه شدند ﴿فَأَذُوهُمَا﴾ این اذیت با آن ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ﴾ دو چیز است آنجا احتمال اینکه مواظب باشید از خانه بیرون نرود دیگر آلوده نشود این یکی، اینجا ﴿فَأَذُوهُمَا﴾ اگر اذیت باشد به معنی زدن و امثال ذلك باشد بعد با حَدِّ بَعْدِی نسخ می شود که فرمود: ﴿مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ اما اگر ناظر به استخفاف و تحقیر و طرد اجتماعی و بی حرمتی باشد این همیشه هست تا اینکه توبه بکنند اگر توبه کرد و انسان شایسته شد که خب يك فرد عادی است از مزایای حقوقی فرد عادی برخوردار است.

عمده آیه بعد است که فرمود: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ﴾ نظم طبیعی اقتضا می‌کرد و به حسب ظاهر، انسان خیال می‌کند که این طوری باید گفته می‌شد «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا تَنْكِحُ إِلَّا زَانِيًا أَوْ مُشْرِكًا» اما در جمله دوم نفرمود «وَالزَّانِيَةُ لَا تَنْكِحُ إِلَّا زَانِيًا أَوْ مُشْرِكًا» بلکه فرمود: ﴿وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا﴾ این برای آن است که خب معمولاً خواستگاری و خطبه از طرف مرد شروع می‌شود از این جهت معمولاً نکاح از طرف مرد آغاز می‌شود لذا فرمود: ﴿وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا﴾.

عمده این تهافت بین صدر و ذیل است؛ صدر آیه جمله خبریه است این جمله خبریه که زانی ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً﴾ خب این چنین نیست که خیلی افرادند که زانی‌اند ولی با فرد عادی ازدواج می‌کنند گاهی ممکن است کسی زانیه باشد يك فرد عادی و غیر زانی با او ازدواج بکند. اگر این خبر است که مطابق با واقع نیست اگر به داعی انشاء القا شده است معنایش این است که این کار حرام است و ذیل با صدر هماهنگ است در ذیل، حرمت تشریعی را فهماند فرمود: ﴿وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ خب این جزء محرمات است یعنی اگر کسی زانی بود الا ولابد باید بگردد زانیه یا مشرکه را پیدا کند با او ازدواج کند و اگر کسی زانیه شد الا ولابد باید همسر زانی بشود یا مشرک، این حکم تشریعی است یا حکم تشریعی نیست.

روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) در این ذیل رسیده است حدود را مشخص کرده. فرمود اگر کسی مُشْتَهَر به زنا شد (يك) حدود الهی درباره او اجرا شد (دو) این دیگر همه می‌دانند که این حدّ زنا خورد و توبه هم نکرد (سه) چنین انسانی حق ندارد با زن پاک ازدواج کند و اگر زنی به زنا آلوده شد شهرت پیدا کرد که آلوده است (يك) حدّ

زنا بر او جاری شد (دو) توبه هم نکرد (سه) چنین کسی را نمی‌شود يك انسان طاهری بگیرد.^۱ اینها که می‌گویند جمله خبریه است می‌فرمایند این به لسان غالب هست نه به لسان دائم، نظیر اینکه در همین سوره مبارکه «نور» در آیات بعد یعنی آیه ۲۶ به این صورت است که ﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ که این حکم هم جاری مجرای غالب است آن حکم هم جاری مجرای غالب است پس خبر است نه اینکه به داعی انشاء القا شده باشد اولاً و به صورت غلبه است نه دوام ثانیاً یعنی میل طبیعی تبهکاران با یکدیگر است يك انسان بزهکار طبعاً می‌خواهد با کسی مثل خودش ازدواج کند. در همین سوره مبارکه «نور» آیه ۳۲ به این صورت است که ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ بالأخره این دختر خانم يك روزی دارد تا خانه پدر است رزق او از آن مجرا به او می‌رسد وقتی به خانه شوهر آمد این مجرا عوض می‌شود. فرمود اگر شما وضع مالی تان خوب نیست خدا شما را بی‌نیاز می‌کند با ازدواج، چه موقع ما باید به این حرفها ایمان بیاوریم؟ تا عاقل نشدیم زندگی همین است عقل، عقل!

تعریف حکیمانه بوعلی از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حالا سفارشی از مرحوم بوعلی بخوانیم که حدیثی را ایشان در آن معراج‌نامه آورده کتابی نوشته معراج‌نامه که وجود مبارك پیغمبر به حضرت امیر (سلام الله علیهما) دستوری می‌دهد وقتی می‌خواهد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعریف بکند حکیمانه پیغمبر را معرفی می‌کند. وقتی می‌خواهد علی بن ابی طالب را معرف بکند حکیمانه معرفی می‌کند من هیچ، هیچ یعنی هیچ تعبیری از هیچ کسی ندیدم که به عظمت تعبیر مرحوم بوعلی از وجود مبارك

حضرت امیر باشد. وقتی تعریف از وجود مبارك حالا می‌خواهد نقل کند که حدیث را چه کسی به چه کسی گفته پیغمبری که اعزّ انبیاست چه هست چه هست چه هست به علی بن ابی طالب که علی بن ابی طالب در بین خلق «کالمعقول بین المحسوس» است یعنی الآن که هفت میلیارد بشر روی زمین زندگی می‌کند علی عقل است این هفت میلیارد دست و پا و چشم و گوش، با اینکه خود مرحوم بوعلی و فارابی و ابوریحان جزء برجسته‌ترین افرادند. فرمود دیگران به منزله چشم و گوش‌اند که عقل اینها را هدایت می‌کند چشم که قدرت تصدیق ندارد گوش که قدرت تصدیق ندارد همه اینها را عقل اداره می‌کند فرمود او در بین خلق مثل عقل است در بین حواس. آنکه در حاشیه الهیات شفا هست این است که ابن سینا گفته که وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) «بین الأصحاب کالمعقول بین المحسوس» یعنی اوّل و دومی و سومی و سایر صحابه اینها به منزله چشم و گوش‌اند و علی عقل است اما آنکه در اصل کتاب هست دارد علی (سلام الله علیه) در بین خلق «کالمعقول بین المحسوس» او عقل محض است. به حضرت امیر چه گفت؟ گفت اگر مردم به عبادتها مشغول‌اند تو به تفکر عقلی مشغول باش جلو می‌زنی.^۲

تأمین زندگی توسط خدا در صورت ازدواج با تعقل

آنچه جامعه را دور می‌کند همین مشکل است. کسی عاقل است که حرف آفریدگارش را گوش بدهد دیگر چون عقل «ما عبد به الرحمن» است. فرمود اگر ازدواج کردید در صورتی که طرفین عاقل بودید گرفتار مهریه زیاد جهیزیه زیاد کادوهای بیجا نبودید ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۳ همه را خدا روزی می‌دهد ولی کسانی که عاقلانه نکاح می‌کنند خدای سبحان آنها را تأمین می‌کند. خب برخیها خیال کردند این آیه ناسخ آن آیه است خب این آیه عام است ناسخ آن آیه است خب این آیه عام است ولو بعد نازل شده عام که مخصّص خاص نیست او

۲. معراج‌نامه، ص ۱۵.

۳. سوره نور، آیه ۳۲.

درباره خصوص زانی و زانیّه است این درباره آیما و اّیم یعنی بی همسر، اگر کسی بی همسر بود شما به او همسر بدهید
خب این عام چگونه می تواند مخصّص آن باشد، پس آن به همین عموم به همین اطلاق خودش باقی است.

بیان امام صادق در ذیل آیه انسانهای بزهکار

این روایات را صاحب کنزالدقائق ذیل همین آیه ذکر کرده و آن چند روایت است؛ در جلد نهم صفحه ۲۴۵ این
است که وجود مبارك امام صادق درباره این آیه فرمود: «هنّ نساء مشهوراتٌ بالزّنا و رجالٌ مشهورون بالزّنا شهورا
به» (يك) «و عُرِفوا به و الناس اليوم بذلك المنزل فمن أُقيم عليه حدّ الزنا أو متّهمٌ بالزّنا لم ينبغ لأحدٍ أن يناكحه حتّى
يعرف منه التوبة» پس اگر کسی معروف بود به این بزهکاری حدّ الهی بر او جاری شد و توبه نکرد این سه قید را
داشت مشمول آیه است، چند روایت است که در صفحه ۲۴۵ آمده است.

«و الحمد لله ربّ العالمين»